

تحلیل خطبه حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه براساس نظریه کنش گفتار سرل - طاهره ایشانی، معصومه نعمتی
قزوینی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال دوازدهم، شماره 45 «و ژه حدیث»، زمستان 1393، ص 25 - 51

تحلیل خطبه حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه براساس نظریه کنش - گفتار سرل

طاهره ایشانی [1] ×

معصومه نعمتی قزوینی [2] ××

چک ۵۵: نظریه کنش گفتار یکی از رویکردهایی است که در حوزه تحلیل گفتمان مطرح شده است. این نظریه در آغاز توسط آستین مطرح شد و سپس به کوشش جان سرل توسعه و تکامل یافت. سرل کنش‌های گفتاری را به پنج دسته اظهاری، اعلامی، عاطفی، ترغیبی و تعهدی تقسیم‌بندی نمود. مقاله حاضر براساس نظریه کنش گفتار سرل، خطبه حضرت زینب سلام الله علیها را در کوفه بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که کنش‌های اظهاری، عاطفی و ترغیبی به ترتیب بیشترین کاربرد را در این خطبه داشته و در مقابل کنش‌های اعلامی و تعهدی به هیچ وجه به کار نرفته است. تطابق بافت موقعیتی خطبه با انواع کنش‌های به کار رفته در متن و بسامد آن‌ها، نشان از قدرت بالایی مخاطب‌شناسی و درک عمیق آن حضرت از بافت موقعیتی است. روش استفاده شده در این بررسی، تحلیل محتوا (گفتمان) است و واحد تحلیل، مضمون در نظر گرفته شده است.

کلا دوازه-ها: تحلیل گفتار، کنش گفتار، جان سرل، حضرت زینب سلام الله علیها، خطبه کوفه.

1. مقدمه

1-1. تحلیل گفتار و نظر کنش گفتار

مطالعات نظام-مند در قالب چارچوب-های مشخص نظری در رامون متن و گفتار (discourse) (معنی سخن فراتر از جمله) را می-توان رشته-ای نوپا به حساب آورد. اصطلاح «تحلیل گفتار» نخستین بار در سال 1951 در مقاله-ای با عنوان «
Discourse Analysis in Language
از زبان-شناس معروف آمریکایی «زنگ هر س

[3]» به کار رفته است. او می-گوید: پس از سطوح تکواژها، بندها و جملات، سطح کلام قرار می-گیرد. از نظر هر س آنچه کلام را از مجموعه-اتفاقی جملات جدا می-سازد، این است که کلام دارای ساخت است یعنی دارای الگوی است که واحدهای کلامی بر طبق آن به هم مرتبط می-شوند. به طور کلی وی تحلیل گفتار را «روشی برای تحلیل گفتار (نوشتار) پوخته» معرفی کرد؛ یعنی زبان-شناسی توصیفی را فراتر از محدوده جمله در یک زبان گسترش داد. (باغینی-پور، 1380: 16)

از دهه 19 علیه السلام 0 به بعد، گفتار و مباحث زبان-شناسی شد. در همین دوران چاپ و انتشار مجلات و کتاب-هایی با عنوان Discourse Analysis از براون و یول (1983)، استابز (1983) و همچنین کتاب «Hand book of تحلیل گفتار (discourse analysis) توسط ون دا ک در چهار جلد باعث شد مطالعه گفتار به عنوان رشته-ای جا افتاده در زبان-شناسی پذیرفته شود.

البته تحلیل گفتار در زبان-شناسی متوقف نماند و در مدت نسبتاً کوتاهی (نزدیک به دو دهه) این گرایش از زبان-شناسی اجتماعی و زبان-شناسی انتقادی، به همت متفکرانی چون فوکو [4]، دریدا [5]، پشو [6] و دیگر متفکران مغرب زمین وارد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شد و شکل انتقادی به خود گرفت که در اینجا مجال پرداختن به آن نیست.

در مورد واژه «گفتار» باید گفت: «سابقه به کار بردن این واژه در برخی منابع به قرن 14 م ملایمی می-رسد، از واژه

فرانسوی (discourse) (dis-koo) و لاتین (discurs-us) به معنی گفتگو، محاوره، گفتار، و از واژه discursum/discurrer به معنی طفره رفتن، از سر باز کردن، تعلل و رز دن و ... گرفته شده است» (مک دائل، 10:1380).

ون - دایک (1:1382: 1 علیه السلام - 18) در تعریف گفتمان سه بعد اصلی را در نظر می - گیرد: الف. کاربرد زبان ب. برقراری ارتباط میان باورها (شناخت) ج. تعامل در موقعیت - های اجتماعی.

وظیفه یا هدف اصلی مطالعه گفتمان، فراهم آوردن توصیفی یکپارچه از این سه بُعد اصلی گفتمان است: چگونه کاربرد زبان بر باورها و تعامل تأثیر می - گذارد یا برعکس، چگونه تعامل بر نحوه سخن گفتن مردم تأثیر می - گذارد و یا چگونه باورها، کاربرد زبان و تعامل را کنترل می - کنند. در واقع می - توان گفت که گفتمان، شکلی از کاربرد زبان است.

از سوی دیگر، تحلیل گفتمان (Discourse Analysis) - که همانند کلمه گفتمان با معادل - های متنوعی در فارسی به کار برده شده است، از جمله «تجزیه و تحلیل کلام، سخن - کاوی، گفتمان - کاوی و تحلیل گفتمان» - از مباحث مهم و جدید زبان - شناسی است. همان - طور که پیش از این نیز گفته شد، تحلیل گفتمان، مقوله - ای بسیار مهمی است که بنیان - گذاران آن، از توصیف جمله فراتر رفته و به مباحث جدی در این مسر رسیده اند. و چون گفتمان به طور کلی به ساختار بافت زبان در مراحل بالاتر از جمله اطلاق می - شود، لذا در تحلیل گفتمان می - توان ساختار و بافت بند، مقاله، داستان، گفتگو و حتی رباعی، قصه، غزل و غیره را نیز مورد بررسی قرار داد. «در تحلیل گفتمان سعی بر آن است تا به تحلیل ناگفته - های یک متن و تحلیل معانی ناپیدا و زیرین گفتار پرداخته شود. در تحلیل متن، آن ناگفته - هایی بیشتر مورد نظر است که نویسنده به دلایلی همچون ملاحظیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و ... نمی - خواهد و نمی - تواند آن - ها را بیان کند» (فضائلی و نگارش، 83:1390)

یکی از نظریه - هایی که در تحلیل گفتمان از جایگاهی خاص برخوردار است نظریه - ی کنش - گفتار (یا کارگفت) آستین (Austin) و سپس سرل (Searl) است. با استفاده از این رویکرد می - توان به تحلیل کنش - های گفتاری هر نوع متنی بویژه متون سیاسی و دینی پرداخت و لایه - های پنهان چنین متونی را از این زاویه آشکار ساخت. این نظریه ابتدا توسط جان لنگشاد آستین - با نام جی. ال. آستین - یکی از پیشگامان فلسفه زبان مطرح شد. «جی. ال. آستین پس از جنگ جهانی دوم در چهارچوب مکتب آکسفورد آثار معروفی را از خود به جا گذاشت. او در سال 1952 یعنی هشت سال پیش از مرگش در سن چهل و نه سالگی، به استادی فلسفه اخلاق رسید. آستین در آثار خود به نظریه پرداززی در خصوص انواع کاربردهای زبان یا اهداف سخنگویان از به کارگیری آن پرداخته است.... آستین تقریباً همه آرای خود را در قالب سخنرانی و مصاحبه معرفی کرده و آثار کمی از او در زمان زندگی - اش به چاپ رسیده است.... پس از مرگ آستین، یادداشت - های مربوط به این سخنرانی - ها ویرایش و در سال 1962 به صورت کتابی با عنوان چگونگی کار با کلمات (How to do Things with Words)

منتشر شد. این عنوان برگرفته از مهمترین اندیشه - های آستین است. (چپمن، 20:1384: 20 علیه السلام و 208)

آستین در این کتاب با اتخاذ رویکرد کاربردگرایانه به زبان، بر این عقیده بود که هر متنی علاوه بر این که حاوی اطلاعاتی است، از نظر نوع کاری که انجام می - دهد نیز قابل بررسی و ارزیابی است. او در آخرین سخنرانی - هایش در هاروارد، کاربرد زبان را «کنش گفتار (کارگفت)» نامید. «آستین در واقع، بین جملات با معنی و جملات بی - معنی تمایز قائل می - شود. از این دید، جملات خبری معنی - دار هستند. اما آستین با در نظر گرفتن دسته دیگری از جملات روزمره

که نه بی-معنی بودند و نه خبری، آن طبقه-بندی را رد نمود. او این جملات معنی-دار را که خبری نبودند، جملات کنشی نامید؛ زیرا با توجه به شرایط، تولید این جملات به صورت انجام یک عمل قراردادی اجتماعی به کار می-رود. جملات کنشی، جملاتی هستند که تولیدشان با توجه به بافت و شرایطی به عنوان انجام یک عمل قراردادی اجتماعی محسوب می-شوند.» (پهلوان-نژاد و اصطهباناتی، 138 علیه السلام: 3) چنین جملاتی به خودی خود سبب ایجاد تغییر در وضعیت بعد از بیان آن جملات می-گردند. به طور مثال واژه-ها و کلماتی که هنگام عقد ازدواج دو نفر بیان می-گردد، سبب تغییر شرایط هریک از زن و مرد می-شود. در واقع، این واژه-ها هستند که برای این دو نفر تعهدی را- تا قبل از شکستن این تعهد- ایجاد می-کند. به عبارت دیگر این واژه یا واژه-ها هستند که به ازدواج اعتبار می-بخشد و آن را از حالت غیررسمی به رسمی بدل می-نمایند. و یا وقتی می-گوییم «من حتماً این کار را برای تو انجام می-دهم.» در اینجا انجام کار تعهدی ایجاد نمی-کند؛ اما قید «حتماً» قراردادی ضمنی برای گوینده نسبت به مخاطب ایجاد می-کند.

در واقع، می-توان گفت نظریه کنش گفتار آستین «واکنشی مخالف نسبت به سه اصلی بود که معمولاً در م ان معنی-شناسان زبانی و معنی-شناسان منطقی مبنای نگرش نسبت به معنی قرار می-گرفت. این سه اصل عبارتند از: نخست آن که جملات خبری گونه اصلی جملات زبان-اند، دوم آن که کاربرد اصلی زبان اطلاع-دادن از طریق جملات است و سوم آن که صدق و کذب معنی پاره گفتارها

[7]

را می-توان تعیین کرد.» (صفوی، 1383: 1 علیه السلام 1-3 علیه السلام 4)

بر اساس نظریه کنش گفتار، «اولاً جملات خبری تنها جملات اصلی و معنی-دار زبان نیست، و ثانیاً تعیین ارزش صدق و کذب همه جملات ممکن نیست؛ زیرا هدف گوینده از بیان جملات کنشی توصیف خود عمل است نه توصیف یک وضعیت یا حالت. بر این اساس، جملات به دو دسته-ی خبری و کنشی (اجرایی) تقسیم می-شوند (آستین، 19 علیه السلام 0: 242). و ویژگی-های بیان-های کنشی را به صورت زیر بیان می-کند:

«بیان-های کنشی صدق و کذب-پذیر نیستند؛ بلکه متناسب یا نامتناسب هستند. در بیان-های کنشی از افعال کنشی مانند قول دادن، اعلام کردن، اخطار دادن و غیره استفاده می-شود و این افعال در صورتی که در زمان حال ساده و با فاعل اول شخص به کار روند، بیان-های کنشی هستند. در نظریه آستین انواع کنش-ها عبارتند از: کنش بیانی، کنش تأثیری و کنش منظوری. (همان: 260)

کنش بیانی (locutionary) به معنای تحت-اللفظی واژه-های موجود در جمله گفته می-شود که در فرهنگ لغت آمده است. کنش منظوری یا غیربیانی (illocutionary) به قصد و نیت گوینده از گفتن آن جمله که به صراحت در جمله بیان نمی-شود، اشاره دارد. به عبارت دیگر، گوینده از بیان یک گفتار، معنای را در نظر دارد. به طور مثال هنگامی-که دانشجو آن به استاد می-گوید: «خسته نباشید.» منظورشان «تعطی کلاس و اتمام درس» است.

کنش تأثیری یا کنش پس از آن (perlocutionary) بستگی به گوینده و شنونده هر دو دارد و نتیجه یا پیامد گفتار

است. به عبارتی، واکنش مخاطب آشنونده بر کنش غ ربه انی را کنش تأث ری می گو یند.

آستین محور تحلیل زبانی در نظریه خود را کنش منظوری یا غیربیانی می داند. «آستین کنش های منظوری را قراردادی می داند و معتقد است که برای انجام این کنش ها باید صورت معینی از واژه ها را به کار برد. او معتقد است که کنش های تأثیری برخلاف کنش های منظوری، غیرقابل پیش بینی و بافت می دهند.» (چپمن، 1384: 216)

شاگرد آستین، جان آر. سرل (John R. Searle) این نظریه را تا حد زیادی بسط داد و البته در مواردی نیز آرای استاد خود در زمینه تمایز میان کنش بیانی و کنش منظوری را نقد نمود. مقاله او با عنوان «کنش های گفتاری غیرمستقیم» (indirect Speechacts) در سال 19 علیه السلام 5 بیانگر این نقد و بررسی بود، ضمن این که آرای او درباره نظریه آستین و دیگر مسائل مربوط به فلسفه زبان در کتاب «کنش گفتار» دیده می شود. او در مقاله اش بر این باور است «برخی از کنش های گفتاری هستند که کنش منظوری شان به طور غیرمستقیم و به واسطه کنش منظوری دیگری انجام می شود.» (چپمن، 1384: 21 علیه السلام)

بنابراین، می توان گفت هرگاه این معنای جمله و معنای مورد نظر گو ینده مطابقت وجود داشته باشد؛ کنش گفتار مستقیم (صریح) است. و اگر نه این معنای مورد نظر گو ینده و معنای جمله مطابقتی وجود نداشته باشد؛ کنش گفتار غیرمستقیم (ضمنی) است. آنگاه زاده در توضیح کنش گفتار غیرمستقیم و به عبارتی کنشی های ضمنی می نویسد: «او [آستین] معتقد است با وجودی که تر شدن رابطه زبان و جامعه، کنشی های صریح و رو کنشی های ضمنی تکامل می یابند. هر جمله کنشی ضمنی قابل بسط به جمله ای است که دارای فعل اخباری [خبری] اول شخص اخباری فعل اخباری ی مجهول دوم شخص سوم شخص مفرد باشد و همچنین فعل جمله به عملی اشاره دارد که گفته کنشی انجام می دهد.» (1390: 29)

شناخت ادآوری است معمولاً رعایت ادب سبب ایجاد کنش گفتار غیرمستقیم می گردد. به طور مثال وقتی برای انجام کاری به صورت سوالی از کسی خواهش می کنیم؛ منظور از آن پرسش، کسب اطلاعات نیست. در جمله «ممکن است به من لطف کنید دستم را بگیرید؟» گوینده به دنبال شنیدن پاسخ «بله» بدون انجام عمل دست گرفتن و کمک کردن نیست؛ بلکه این کنش امری به صورت غیرمستقیم بیان شده و مخاطب نیز در مقابل، کاری را برای او انجام می دهد. در واقع، رعایت ادب مهمترین دلیل غیرمستقیم بودن کنش های امری است.» (همان: 219)

سرل کنش های گفتار را به پنج دسته تقسیم می نماید:

- کنش اظهاری (Representative Act or Assertive Act):

در این نوع کنش، گوینده باور خود را دربارهٔ درستی قضیه‌ای بیان می‌دارد و وقایع و پدیده‌های جهان بیرون را توصیف می‌کند و می‌گوید که وقایع و امور در جهان بیرون چگونه هستند. «نمونهٔ بارز این دسته از کارگفت‌ها را می‌توان در پاره‌گفتارهای مشاهده کرد که بر نکته‌ای تأکید می‌کنند یا به نکته‌ای اشاره می‌کنند.» (صفوی، 1383: 1 علیه‌السلام علیه‌السلام)

چند نمونه از افعالی که دارای این نوع کنش هستند عبارتند از: اظهار کردن، بیان کردن، گفتن، تکذیب کردن، تأیید کردن، شرح دادن، اعتراض کردن، بحث کردن، تصحیح کردن، دلیل آوردن، اثبات کردن، گزارش دادن و معرفی کردن.

- کنش ترغیبی (Directive Act)

همان‌طور که از نام این کنش برمی‌آید، منظور از چنین کنشی این است که کاربر زبان با استفاده از واژه‌ها، مخاطب را به انجام کاری و یا بازداشتن از آن کار، تشویق و ترغیب می‌نماید. به عبارت دیگر، کنش ترغیبی سه مقولهٔ «دستورها، درخواست‌ها و پیشنهادها» را شامل می‌گردد. «نمونهٔ بارز کارگفت‌های ترغیبی را می‌توان در پرسش‌ها و درخواست‌ها مشاهده کرد.» (همان: 1 علیه‌السلام علیه‌السلام)

افعال کنشی ترغیبی شامل افعالی همچون خواستن، دستور دادن، توصیه کردن، پند و اندرز دادن، اصرار کردن، هشدار دادن، دعوت کردن، سوال کردن، معذرت‌خواهی کردن، شرط کردن، اجازه دادن، اطمینان دادن، روحیه دادن و تشویق کردن هستند. مثال: من به شما هشدار می‌دهم که این کار را انجام ندهید.

- کنش عاطفی (Expressive Act)

احساس گوینده از طریق واژه‌های عاطفی و احساسی با بار مثبت و یا منفی همچون تبریک گفتن، تسلیت گفتن، مدح کردن، هجو نمودن، تأسف خوردن، تمجید کردن، تعجب کردن، سلام کردن، احترام گذاشتن، سپاسگزاری نمودن و جز آن بیان می‌گردد. به طور نمونه: بسیار باعث افتخار است که در خدمت شما هستیم. «در این دسته از کارگفت‌ها گوینده احساس خود را از طریق قدردانی، عذرخواهی، تبریک، ناسزا و جز آن بیان می‌دارد.» (همان: 1 علیه‌السلام علیه‌السلام)

8)

- کنش تعهدی (Commissive Act)

کنش‌های منظوری‌ای که دربردارنده تعهدی برای انجام عملی در آینده است، در این نوع از کنش‌های گفتار قرار می‌گیرد. افعال چنین کنشی عبارتند از: قول دادن، سوگند خوردن، تعهد دادن، تضمین کردن، موافقت کردن، متعهد شدن، داوطلب شدن و غیره. مثال: او سوگند خورد که به همسرش وفادار بماند.

- کنش اعلامی (Declaration Act)

در این کنش، شرایط تازه‌ای اعلام می‌شود. «بدین معنا که همزمان با بیان آن شرایط، انطباقی بین زبان و جهان خارج روی می‌دهد. البته صرف بیان شرایط تازه به منزله انجام یک کنش اعلامی نیست؛ بلکه شرایطی برای تحقق آن لازم است. از جمله این که گوینده صلاحیت بیان شرایط جدید را داشته باشد.» (پهلوان نژاد و رجب‌زاده، 1389: 41) مثال: «ختم جلسه را اعلام می‌کنم.» یا «با نام خدا سخنرانی‌ام را آغاز می‌کنم.»

افعالی که شامل این کنش می‌شوند، عبارتند از: «اعلام کردن، منصوب کردن، به کار گماردن، اخراج کردن، آغاز کردن، پایان دادن، نام‌گذاری کردن، باطل کردن، فسخ نمودن و ...»

2-1. پیشینه تحقیق

براساس بررسی نو‌سندگان این مقاله، پیش‌تر پژوهشی با همین رویکرد و با عنوان «تحلیل متن‌شناسی زیارتنامه حضرت امام رضا علیه السلام بر پایه نظریه کنش گفتار» به قلم محمدرضا پهلوان نژاد و مهدی رجب‌زاده انجام شده که در نشریه مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام (1389) به چاپ رسیده است که البته از جهت بستر پژوهش با مقاله حاضر متفاوت است. درباره خطبه حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه نیز، اگر چه در منابع و کتب بسیاری بدان اشاره شده و تا حدودی از جهت محتوایی مورد بررسی قرار گرفته، اما تا کنون براساس نظریه کنش گفتار مورد مطالعه قرار نگرفته است. این درحالی است که پیش‌تر پژوهشی ادبی درباره این خطبه با روکرد تحلیل گفتمان، با عنوان «تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زینب سلام الله علیها» به قلم دکتر کبری روشنفکر و دانش محمدی به رشته تحریر درآمده که در فصلنامه تخصصی سفینه شماره 22، 1388 به چاپ رسیده است. با توجه به پیشینه تحقیق، نوشتار حاضر که به تحلیل خطبه حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه می‌پردازد، در پی پاسخگویی به سؤالات زیر است:

- در خطبه مذکور کدام یک از انواع کنش‌ها به کار رفته‌اند؟

- بسامد کاربرد هر یک از انواع کنش‌ها در خطبه مورد نظر چگونه است؟

- انواع و میزان به کارگیری کنش‌های موجود در متن تا چه حد با بافت موقعیتی خطبه در تناسب است؟

بی‌شک واکاوی میراث ارزشمند دینی با رویکردهای نوین، یکی از ضرورت‌های کنونی است تا از رهگذر آن بتوان ابعاد بیشتری از این گنجینه گرانبها را به نسل‌های آینده معرفی نمود.

1-3. بافت موقعیتی خطبه

از آن جایی که در نظریه کنش گفتار، بافت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، برای ورود به بدنه اصلی پژوهش نخست لازم است بافت موقعیتی خطبه قدری تبیین گردد. این خطبه در حضور مردم کوفه بعد از واقعه کربلا ایراد گردید. از این رو لازم است مباحثی درباره ویژگی‌های مردم شناختی کوفه ارائه گردد.

از نظر عده دینی می‌توان جامعه کوفه آن روز را به دو بخش مسلمان و غیرمسلمان تقسیم نمود: بخش غیرمسلمان کوفه را مسیحیان، یهود و مسیحیان نجران و مسیحیان نبطی، یهودان رانده شده از شبه جزیره عربستان در زمان عمر و ایرانیان تشکّل می‌دادند. (شریف المرقشی، 139، علیه السلام ق، ج 2: 1 علیه السلام 8) آنان در مجموع بخش ناچیزی از کل جمعیت کوفه را در برمی‌گرفتند.

بخش مسلمان کوفه را می‌توان شامل شش گروه شامل بنی امیه، خوارج، و افراد بی‌طرف دانست: شش گروه را می‌توان به دو بخش رؤسا و شش گروه عادی تقسیم نمود: از رؤسای شش گروه می‌توان افرادی همچون سلمان بن صرد خزاعی، مسیب بن نجبه فزازی، مسلم بن عوسجه، حباب بن مظاهر اسدی، ابوئمامه صائدی و... که از ارکان حضرت علی علیه السلام در صف بن‌و‌دیگر جنگ‌ها بودند، نام برد. این افراد عمده‌ترین خاندان اهل بیت نبوت عشق‌میزدند و هم‌نوا بودند که پس از مرگ معاویه ابتداءً باب نامه نگاری به امام حسن علیه السلام را گشودند. (طبری، بی تا، ج 3: 145)

«شش گروه عادی که بخش قابل توجهی از مردم کوفه را تشکّل می‌دادند، گرچه به خاندان اهل بیت عصمت، علاقه وافری داشتند، اما رفتار و آئین‌های همچون زاهد و پسرش، با آنان و نیز سب‌های کلی‌الامو این در شش گروه زدا می‌جامعه اسلامی، از آنان زهر چشم سختی گرفته بود، به گونه‌ای که تا احتمال پذیرفتن روزی را زادن نمی‌دیدند وارد نهضتی نمی‌شدند و شاید علت نامه نگاری آنان و نیز پذیرفتن آنها به نهضت مسلم و قوام مختار بدن جهت بود که پذیرفتن نهضت را بساار محتمل می‌دیدند و لذا به مجرّدی که بوی شکست نهضت مسلم به مشامشان خورد، از صحنه خارج شدند. البته تعداد فراوانی از آنها بعدها در نهضت توانمند و قوام مختار، شرکت نمودند. اما مشخص نیست چه تعداد از این افراد در لشکر عمر بن سعد شرکت کرده و علیه امام خود جنگ دیدند، و بعد می‌نماید که تعداد فراوانی از این گروه در کربلا حاضر شده باشند، بلکه عمده لشکر کوفه در کربلا را عناصر دیگر از مسلمانان تشکّل می‌دادند؛ با این توضیح که نامه نگاری به حضرت امام حسین علیه السلام دل‌برش معبودن به حساب نمی‌آمد.» (صفری فروشانی، 13 علیه السلام 5: 19)

«شاید بتوان گفت: بیشتر ن سهم جمعیت کوفه، از آن افراد بی‌اعتنا و ابن‌الموقت بود که همتی جز پرکردن شکم و پرداختن به شهواتشان نداشتند. آنها هنگامی که پ روزی لشکر مسلم بن عقیل را نزد تک‌دند، به او پ‌وستند، اما با ظهور آثار شکست، به سرعت صحنه را خالی کردند و فشار روانی فراوانی به طرفداران واقعی نهضت وارد آوردند و سهم فراوانی در شکست قطعی نهضت مسلم را نفا نمودند. سپس به دنبال وعده و وعدهای «ابن زید» به سپاه کوفه پ‌وستند و به جنگ با امام حسن علیه‌السلام پرداختند و سرانجام او را به شهادت رساندند. در صورتی که اگر نهضت مسلم به پ‌روزی می‌رسید، هم ن افراد اکثر طرفداران حکومت نوپای مسلم را تشکیل می‌دادند». (صفری فروشانی، 13 علیه‌السلام 5:3)

«به‌طور کلی می‌توان خصوصیات روانی جامعه کوفه را که در شکست ظاهری نهضت امام حسن علیه‌السلام دخیل بود، چنان برشمرد: نظام ناپذیری، دنباطلبی و تابع احساسات بودن» (همان: 24-20) بعضی از نویسندگان معاصر خصوصیات زیر را برای جامعه کوفه برشمرده‌اند:

1- تناقض در رفتار 2- فریبکاری 3- تمرد بر والیان 4- روح فرار در هنگام رو‌اروی با مشکلات 5- اخلاق بد 6- طمع علیه‌السلام - تحت تأثیر تبلیغات قرار گرفتن. (شریف‌المقرشی، پیشین، ج 2: 420 به بعد)

همچنان که امام علی علیه‌السلام نیز در بخش‌هایی از سخنان خویش، مردم کوفه را چنین توصیف نموده است: «ای کوفه! گرفتاری من با شما در دو سه چیز خلاصه می‌شود: کره‌های صاحب‌گوش، لاله‌های زبان‌دراز و کورانی که چشم ندارند. نه در روزهای رزم، آزادی و صداقتان هست و نه در هنگامه گرفتاری برادرانی مورد اعتماد». (نهج‌البلاغه، خطبه 9 علیه‌السلام) مطهری نیز در کتاب «حماسه حسینی» مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری واقعه کربلا را، جهالت آنان برمی‌شمرد. (ج 3، 1366: 4 علیه‌السلام 48-)

از جهت اقتصادی نیز بررسی وضعیت معیشتی مردم کوفه می‌تواند در ریشه‌یابی عوامل وقوع حادثه کربلا تا حدودی راهگشا باشد. از آنجا که مردم کوفه برای امرار معاش در کنار کسب و کار تا حد زیادی به بخش‌های حکومت وابسته بودند، طبیعی است که این امر می‌توانست برای حکومت به عنوان اهرم فشاری بر مردم مورد استفاده قرار گیرد. به ویژه آن که مردم کوفه غالباً اشتغال به حرفه و صنعت را در شأن خویش ندانسته و آن را به موالی می‌سپردند. (زیدی، 19 علیه‌السلام 0:42)

2. تحلیل خطبه حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه

پس از آن که ابن‌سعد، اهل بیت امام حسن علیه‌السلام را از کربلا به عنوان اسیر به سوی کوفه و سپس شام حرکت داد، فرجام این نوع رفتار با توجه به ظاهر حادثه، باید به نابودی خاندان پ‌امبر و پ‌روزی پادار حکومت امویان خاتمه می‌افتاد. نتیجه‌ای که شاید در آن روز هر بنده‌ای به سادگی آن را پیش‌بینی می‌کرد، ولی حضور

فتح آل اسرایی اهل بیت در کوفه و شام، به و ژه خطبه‌های پرشور حضرت زینب³، نتجه را به گونه‌ای رقم زد که در پایان، زینب سرشکسته و خجلت‌زده مجبور گردید آنان را هر چه زودتر و با احترام به مدینه برگرداند.

«آن چه سبب این دگرگونی در دوران اسارت شد، دو برنامه عملی خاندان رسالت بود: یکی ايراد خطبه‌ها در بین مردم و دیگر پرداختن به عزاداری برای شهیدان کربلا. خطبه‌ها متناسب با شرایط هر جا، در این می‌گردید تا کسانی را که گرفتار تبلیغات سوء اموان شده بودند، به داری بخشید. اکنون حضرت زینب³ و کاروان او، سازمان تبلیغ امام حسین علیه السلام هستند و سرنوشت نهضت به دست آنان قرار گرفته است.» (فاضلی، 1389: 15)

اسرار در حالی وارد کوفه شدند که زینب و اهل بیت علی‌هم‌السنه بن زینب سواره و پادشاه، راه‌های ورودی و خروجی شهر و کوچه‌های آن را تحت مراقبت قرار داده بودند تا هرگونه حرکت مشکوکی را مهار کنند. از سوی دیگر، جاسوسان و جاسوسان حکومت ورود اسرار را به شهر اعلام کرده و مردم را برای تماشای دعوت نموده بودند. (صادقی اردستانی، 1389: 22-28)

عبه دالمله از سوی زینب، دستور افته بود که اهل بیت را در شهر بگرداند تا با تماشای مردم به آنان، قدرت حکومت خود را نماان سازد. تبلیغات بنی‌امیه اسرار را خارجی معرفی کرده بود. هنگامی که سر مطهر امام حسین علیه السلام و اران شان را بر زینه‌ها زدند و به همراه اسرار، با وضع دلمخراشی در شهر کوفه گردانیدند، اموان فضای وحشت ایجاد کردند و شهر را در قبضه مأموران داشتند. نفسها در سینه‌ها حبس گردیده بود! چنان فضای تاریک، فرادگری قهرمان و شجاع می‌خواست تا مردم را برضد امویان برانگیزاند.

«در کاروان اسرار، حضرت زینب سلام الله علیها در کجاوه خویش به دنبال فرصت بود، تا ضربه مناسب را بر دشمن وارد کند؛ زینب که روزگاری برای زنان کوفه درس تفاسیر قرآن می‌گفت و پدرش رهبری اهل بیت را بر عهده داشت. کوفه قلب عراق بود و پنج سال پایتخت حکومت حضرت علی علیه السلام. حضرت زینب سلام الله علیها درد دل‌های پدرش را از کوفه ان می‌دانست و سست عهدی آنان را با امام حسن علیه السلام دیده بود، و زینب نامه‌های پی‌درپی هم به مردم را به امام حسین علیه السلام و سپس عهدشکنی ایشان را به اد داشت. نوبت آن رسیده بود که خطابه آتشین خود را همچون عمودی بر فرق ان مردم فرود آورد.» (فاضلی، پیشین: 16)

بشربن خُزیمه اسدی درباره این خطبه [8] می‌گوید: «در ان روز، من به زینب دختر علی علیه السلام نگرستم. سوگند به خدا! کسی را مانند زینب، در سخنوری توانا ندیده‌ام؛ چنان که گویی از زبان امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام سخن می‌گویی. بر مردم نهیب زد: خاموش باش! با ان نهیب، نه تنها آن جماعت انبوه ساکت شدند، بلکه زنگ شتران نیز از صدا افتاد!» (مجلسی، 1394ق، ج 45: 108)

همین راوی نقل کرده است که در پایان سخنان آتشین آن حضرت، مردم را دیدم که سراسیمه و در حالی که انگشت‌هایشان به دندان گزیده‌اند، می‌گریستند. (همان: 110) حضرت زینب سلام الله علیها در این خطبه چنین فرمود:

«أَلْحَمْدُ لِلَّهِ»

حضرت زینب سلام الله علیها سخن خویش را همانند قرآن کریم، با حمد و ستایش خداوند آغاز نموده است. آغاز سخن با نام خداوند و با جمله (المحمد لله) که اقتباس از سوره فاتحه است، در واقع پاسخی است به کسانی که در جریان واقعه عاشورا، اهل بیت پیامبر 6 را به خروج از دین متهم ساخته بودند. پاره گفتارهای که به مدح و ستایش اشاره داشته باشند، جزء کنش‌های عاطفی محسوب می‌گردند.

«وَالْمَصَلَّةُ عَلَيَّ جَدِّي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْمُطَيَّبِينَ الْمَأْخُورِ»

این جمله که با حرف عطف «و» به جمله قبل معطوف شده است؛ انگیزه احساس گورنده است و کنش عاطفی است. در این پاره گفتار، حضرت زینب سلام الله علیها با درود فرستادن بر جد خویش، نسب خویش را به مردم غفلت زده کوفه یادآور می‌شود تا از این رهگذر، تأثیر بیشتری را بر مخاطب القا نموده، وجدان خفته آنان را بیدار ساخته و آگاه شوند که دستشان به خون چه کسانی آلوده شده است.

«أَهْلًا بَعْدُ: أَاهِلَ الْكُوفَةِ»

(آه) حرفی است که پیوسته ملازم معنای تأکید و غالباً ملازم معنای تفصیل است (بدیع یعقوب، 1386ش: 149). آغاز نمودن بدنه اصلی خطبه با این حرف، در واقع نشان دهنده تأکیدی است که گوینده بر سخن خویش دارد. بنابراین آوردن ابزار تأکیدی و سپس اسلوب ندا، حالت تشویقی و تأکیدی دو چندان را در شنونده ایجاد می‌نماید تا برای شنیدن ادامه سخن، انگیزه کافی داشته باشد. جمله - ندائی «أَاهِلَ الْكُوفَةِ» در اصل چندین بوده است: «أَنَادَى أَهْلَ الْكُوفَةِ». حضرت زینب سلام الله علیها با این جمله به طور ضمنی از اهل کوفه می‌خواهد که به ادامه سخنانش توجه نمایند. به عبارت دیگر، این جمله ترغیب و تشویق مخاطب به شنیدن است. به همین دلیل کنش ترغیبی محسوب می‌گردد.

«أَاهِلَ الْمَخْتَلِ وَالْمَغْدَرِ» (ای اهل خدعه و زرتنگ)

این پاره گفتار نیز اگرچه در ظاهر ندایی است، اما در واقع هدف (کنش غیربیانی) حضرت سلام الله علیها جلب توجه مردم برای شنیدن سخنانش نیست، بلکه بدین وسیله، اخلاق آنان را توصیف نموده و به فریبکاری و خیانت متهم می‌نماید. بر این اساس این پاره گفتار، جزء کنش‌های اظهاری در نظر گرفته می‌شود.

«أَتَبْكُونِي؟!» (آ می گریه؟!)

استفهام در این پاره گفتار به معنای توبیخ و تعجب است. اگرچه جمله‌های پرسشی، جزء کنش‌های ترغیبی به شمار می‌آیند، اما از آن جایی که پاره گفتار حاضر از معنای پرسشی خارج شده و بر توبیخ و تعجب دلالت دارد، کنشی عاطفی محسوب می‌گردد. گویی آن حضرت سلام الله علیها با این سؤال، آنان را به سبب کشتن نواده رسول خدا 6 به شدت مورد سرزنش قرار داده و با توجه به سنگدلی و بی‌وفایی آنان، از گریه‌هایشان اظهار شگفتی می‌نماید.

«فَلَا رَقِيعَاتِ الْمَدْمَعَةِ وَلَا هَدَاةِ الْمَرْنَةِ» (اشک‌هایتان خشک مباد و ناله‌هایتان خاموش مباد!)

این دو جمله که بر نفرین دلالت دارد، در هجو اهل کوفه به این شده و چون به انگر احساس انزجار آن حضرت نسبت به آنان است کنش عاطفی محسوب می‌شود. خشم و انزجار حضرت زینب سلام الله علیها از مردم کوفه به حدی است که وی را به نفرین آنان واداشته و غم و اندوه همیشگی را برای آنان طلب نموده است. چنین خواسته‌ای - آن هم از جانب اهل بیت پیامبر 6 که وجودشان برای امت سراسر نور و رحمت است - می‌تواند نشان دهنده عمق ناخشنودی آن حضرت از عملکرد مردم کوفه باشد.

«إِنَّمَا مَثَلُكُمْ كَمَثَلِ اللَّيْلِ نَقِضَتِ غَزَلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةِ أَنْ كَانَتْ» (جز این نیست که مثل شما مردم، مثل آن زن است که رشته خود را بعد از آنکه محکم تافته شده باشد، پنبه نماید.)

حضرت با این جمله تمثلی که برگرفته از آیه 92 سوره نحل است، به نیکویی عملکرد مردم کوفه را توصیف نموده و آنان را به بیهوده کاری متهم ساخته است. استفاده از مثل‌ها در سخن، به منظور وضوح بیشتر آن برای مخاطب است که در قرآن کریم نیز به بهترین شکل از آن استفاده شده است. بر این اساس حضرت سلام الله علیها با آوردن مثالی نیکو از قرآن کریم، عمل آنان را به وجهی روشن‌تر در برابر دیدگانشان مجسم نموده است. این پاره گفتار به دلیل هدف بیانی آن، از نوع کنش اظهاری است.

«تَتَخَذُونَ أَمَا نَكُمْ دَخْلًا بَنِي كَمْ.» (شما پیمانهای خود را ما هم مگر و خانت درم این خود می‌گریه)

این جمله با هدف وصف اهل کوفه به فریبکاری و پیمان شکنی آمده است. استفاده از فعل مضارع که بر استمرار دلالت دارد، نشان از این است که آن حضرت سلام الله علیها، این ویژگی مردم کوفه را جزء صفت‌های دیرینه آنان می‌داند، همچنان که پیش‌تر درباره پدرش امیرمؤمنان علیه السلام و برادرش امام حسن علیه السلام نیز همین رویه را در پیش گرفته بودند. این پاره گفتار، کنشی اظهاری است که از ورای آن یادآوری و سرزنش مردم کوفه مورد نظر بوده است.

«ألمأ» (آنگاه باش د)

«ألمأ» که حرف استفتاح ه و جانش ن فعل «انتبهوا» است؛ ب انگر هشدار حضرت ز نب به مردم کوفه است و ز ر مجموعه - کنش های ترغ بی قرار می گ ر د. از آن جا که مردم کوفه به غفلت زدگی و جهل گرفتار شده بودند، حضرت زینب سلام الله علیها در اثنای خطابه نیز دیگر بار آنان را به هوشیاری فرا می خواند.

«وهل ف كُم إلمأ المصلفُ والمِنَطَفُ، ومَلَقَ الإِمْءاءُ، وَغَمَزَ المُأَعْداءُ؟!» (آ ا در شما صفتی هست مگر غرور؟ به جز آلمأ ش به آنچه موجب ع ب و عار است؟ و به جز س نه های مملو از ک نه و زبآن چاپلوسی مانند گن زکان و چشمک زدن (از سر استهزا) مانند کفار و دشمنان؟!)

به کارگیری شیوه نفی و استثنا به عنوان یکی از اسالیب حصر و قصر در کلام، در بردارنده معنای تأکیدی است. حضرت ز نب سلام الله علیها در ا ن عبارات، به صورت پرسشی همراه با تعجب و به صورت ضمنی، مردم کوفه را افرادی می دانند که جز غرور، ک نه تیزی و چاپلوسی ویژگی دیگری ندارند. به عبارت د گر، در سه جمله با کنش اظهاری به توصف آنان با ا ن صفات می پردازد.

«أو (مثلکم) کَمَرَجِي عَلي دِمِنَدَه.» (ا گ اهی را مانند که در منجلبها می رو د که قابل خوردن ن ست)

«أو (مثلکم) کَفَضِضَه عَلي مَلحُودَه.» (ا به نقره ای مانند که گور مرده را به آن آرا ش دهند.)

ا ن دو پاره گفتار، در واقع مثل هایی است که آن حضرت در جهت وضوح بیشتر مفاهیم مورد نظر خود برای مخاطب از آن استفاده نموده است. بنابراین هر دو جمله، ب انگر کنش اظهاری هستند.

«ألمأ» (آنگاه باش د)

همان طور که پیش تر بیان شده «ألمأ» حرف استفتاح ه و جانش ن فعل «إنتبهوا» و هشدار حضرت به مردم کوفه است و جزء کنش های ترغ بی قرار می گ ر د. تکرار دوباره «ألمأ» می تواند نشان دهنده شدت غفلت مخاطب و لزوم هشدارهای مکرر بدو باشد.

«سَاءَ مَا قَدَّمْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ أَنْ سَخَطَ اللَّهُ عَلَى كُمْ وَفِي الْعَذَابِ أَنْتُمْ خَالِدُونَ.» (بدکاری بوده آنچه را که نفس‌های شما برای شما پیش فرستاد که موجب خشم الهی بود و باعث شد که در عذاب الهی جاودانه شوید)

در این دو پاره گفتار، از اسلوب ذم استفاده شده است تا ضمن سرزنش مردم کوفه، نسبت به پیامدهای وخیم عملکردشان بدانها هشدار داده شود. این جمله از گونه قابل تأمل است: من شما را انسان‌های بدکردار می‌دانم که عملتان سبب خشم الهی و عذاب جاودان شده است. و از آنجا که به توصیف کردار آنان پرداخته، جزء کنش‌های اظهاری محسوب می‌گردد. علاوه بر این حضرت زینب سلام الله علیها برای المقای تأثیر بیشتر بر مخاطب، جمله خویش را با اندکی تصرف از آیه 80 سوره مائده اقتباس نموده است.

«أَتَبْكُونُ» (آیا می‌گریید؟) «وَتَنْتَحِبُونَ!» (و شیون می‌کنید؟)

این دو جمله با انگر اظهار تأسف حضرت زینب سلام الله علیها نسبت به اهل کوفه است و از جمله کنش‌های عاطفی در نظر گرفته می‌شود. درباره این نوع پاره گفتار پیش‌تر توضیح داده شد.

«إِي وَاللَّهِ»

«إِي» حرف جواب به معنای «نعم» است که قبل از قسم واقع می‌شود و به نوعی بیانگر تأکید است (بدیع یعقوب، پیشین: 1 علیه السلام 5). جمله قسم بعد از آن نیز که در ساختار عربی محذوف است (والله أقسم) بر تأکید گوینده بر ادعای خویش دلالت داشته و از این رو کنش اظهاری خواهد بود.

«فَابْكُوا كَذْرًا» (گریه‌تان بسیار باد) «واضح كوا قائلًا» (خنده‌تان کم باد)

این دو جمله نفرینی که با انگر احساس انزجار حضرت زینب سلام الله علیها نسبت به آنان است؛ کنش عاطفی محسوب می‌شود.

«فَلَقَدْ ذَهَبْتُمْ بِعَارِهَا وَشَنَارِهَا وَلَنْ تَرْجِعَ ضُؤُهَا بِغَسَلِ بَعْدَهَا أَبَدًا.» (به حق وقت که به ننگ و عار آلوده شد که این پلیدی را به هیچ آبی نتوان شست)

۱. ن دو پاره گفتار به ا ن شکل قابل تأمل است: «من بد بن وس له ب ان می -کنم که شما آلوده به ننگ و عاری شده اید که هرگز پاک نخواهد شد». به کارگیری «قد» در کنار فعل ماضی دلالت بر تحقیق دارد که حتمی بودن ننگ و عار کوفیان را از نظر حضرت زینب سلام الله علیها نشان می -دهد. همچنین استفاده از حرف نفی «لن» و ظرف زمان «أبدا» نیز بر تأکید دو چندان مفهوم این پاره گفتار دلالت دارد. با توجه به معنای تأکیدی این دوپاره گفتار، کنش اظهاری خواهد بود.

«وَأَنْبِي تَرْجَضُونَ قَتْلَ سَأَلَ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ، وَسَيَدِّشَ بَابِ أَهْلِ الْمَجَنَّةِ، وَمَا لَذِخْرَتِ كُمْ، وَمَفْرَعِ نَازِلَاتِ كُمْ، وَمَنَارِ حُجَّتِ كُمْ، وَمَدْرَةِ سَنَّتِ كُمْ» (لوث گناه کشتن سالله خاتم نبوت و سرور جوانان اهل بهشت را چگونه توان شست؟! کشتن همان کسی که در آخرت از نمودن امور، او پناه شما بود و در هنگام نزول بلا، فرادرس شما و در مقام حجت با خصم، رهنمای شما و در آموختن سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، بزرگ شما بود)

کل ا ن پنج جمله که با حرف عطف به یکدیگر پیوسته شده اند، بر ا ن مفهوم دلالت دارد که شما گناهکار هست اید. و چون در توصیف شخصیت اهل کوفه است کنش اظهاری در نظر گرفته می -شود. استفهام در این پاره گفتار، به معنای نفی است یعنی هرگز نمی -توانید این ننگ را از دامن خود پاک کنید.

«ألما» (آنگاه باش اید)

«ألما» حرف استفتاحیه و جانشین فعل «إنتبهوا» و هشدار حضرت به مردم کوفه است و جزء کنش های ترغیبی قرار می -گیرد. تکرار «ألما» - همان طور که پیش تر نیز بیان شد - شدت جهل و غفلت مخاطب را نشان می -دهد که گوینده را واداشته تا در اثنای سخن، بارها آنان را به توجه و هوشیاری فراخواند.

«سَاءَ مَا تَزْرُونَ» (بد گناهی بود که به جا آورد اید)

۱. ن پاره گفتار که به اسلوب ذم و در توصیف کردار اهل کوفه است از مجموعه کنش های اظهاری محسوب می -شود.

«وَبُعْدَالِكُمْ وَسُحُوقًا» (هلاکت و دروئی از رحمت الهی بر شما باد)

۱. ن جمله نفرینی که با انگیزه احساس انزجار حضرت زینب سلام الله علیها نسبت به مردم است، دارای کنش عاطفی است.

«فلقد خَابَ الْمَسْعِيُّ» (به تحقیق که به نومد کشد کوشش شما)

ا ن پاره گفتار را می-توان ا ن گونه تاو ل نمود: تا ک د می-کنم که کوشش شما بی-نتجه است. و چون با حرف تحقیق «قد» همراه شده دارای معنای تا ک د است و ز ر مجموعه کنش اظهاری در نظر گرفته می-شود.

«وَبَاتِ الْمَأْدِي» (کوتاه شد دستهای شما از رحمت خدا) «وَحَسْرَتِ الْمَصْفَقَةِ» (زیانبار شد ا ن معامله شما) «وَبُؤْتُمْ بِغَضَبٍ مِنَ الْمَلَّةِ» (به غضب خدای عزوجل برگشته د) «وَضُرِبَتْ عَلَیْكُمْ الْمَذَلَّةُ وَالْمَهْسَكَةُ» (و زده شد بر شما (داغ) ذلت و فلاکت)

ا ن چهار پاره گفتار که شرح پیامدهای و خیم عملکرد کوفیان است، اظهاری محسوب می-شود. لازم به یادآوری است که پاره گفتار اول برگرفته از آیه اول سوره مسد و پاره گفتارهای سوم و چهارم برگرفته از آیه 61 سوره بقره است.

«وَأَلِ كَم» (وای بر شما باد)

«ویل» اسمی است برای بیان عذاب. از جهت نحوی نیز مفعول برای فعل محذوف در نظر گرفته می-شود. ا ن جمله-بر معنای ضمنی هشدار به صورت «من به شما هشدار می-دهم که مراقب پیامدهای عملکردتان باش د» دلالت دارد، بدین روی، کنش ترغیبی در جهت عکس محسوب می-شود.

«أَهْلَ الْكُوفَةِ» (ای مردم کوفه!)

حضرت زینب سلام الله علیها خطاب به اهل کوفه، از آنان می-خواهد که به ادامه سخنانش توجه نمایند. به عبارت دیگر، ا ن جمله ترغیب و تشویق مخاطب به شنیدن است. به هم ن دل ا ل کنش ترغیبی محسوب می-گردد.

«أَيُّ كَبَدٍ لِرَسُولِ الْمَلَّةِ فَرَيْتُمْ؟!» (آ ا می-دانند کدام جگر رسول خدا را پاره پاره نمود د؟) «وَأَيُّ كَرَمَةٍ لَهْ أُبْرُزْتُمْ؟!» (و چه بانوان محترم معزز چو در گوهر را آشکار ساخت د؟) «وَأَيُّ دَمٍ لَهْ سَفَكْتُمْ؟!» (وای حرمة لَه انت ه کت م؟!) (و چه خونی را ریختید؟ و چه حریمی را شکستید؟)

۱ ن چهار جمله که به شرح عملکرد هولناک مردم کوفه می-پردازد، از نوع کنش اظهاری است. در واقع این چهار جمله صورت پرسشی دارد و معنای خبری. بدین معنا که قصد گوینده واقعا این نبوده که سؤالی را مطرح نماید و منتظر پاسخ شنوندگان باشد. بنابراین استفهام از نوع توییخی است.

«لَقَدْ جِئْتُم بِهَا صَالِحًا عَنِ قَاءِ سِوَاءِ فَقَاءِ، كَطَلَّحِ الْمَأْرُضِ وَمِائِ الْمَسْمَاءِ» (شما این جنایت فجیع را بی پرده و آشکار به انجام رساندید؛ جنایتی که سر آغاز جنایات دیگری در تاریخ گشته، سیاه، تاریک و جبران ناپذیر بوده، تمام سطح زمین و وسعت آسمان را پر کرده است).

۱ ن عبارات که به طور صریح و آشکار به توصیف کردار کوفه ان می-پردازد نیز، کنش اظهاری هستند.

«أَفَعَجِبْتُمْ أَنْ قَطَرَتِ الْمَسْمَاءُ دَمًا» (آیا تعجب می-کنید که آسمان خون بیارد؟)

۱ ن پاره گفتار، با ۱ ن که به صورت پرسشی مطرح شده، اما قابل تأویل به این جمله است: «جایی تعجب نیست اگر که از آسمان خون بیارد.» ۱ ن مضمون در واقع، نشان دهنده احساس تأسف شدید حضرت زینب سلام الله علیها از واقعه کربلا است و در نتیجه کنش عاطفی خواهد بود.

«وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْزَى وَأَنْتُمْ لَا تَنْصُرُونَ» (و بدانید که یقیناً عذاب آخرت خوارکننده-تر است و شما در آن روز یاریگری ندارید)

۱ ن پاره گفتار که برگرفته از آیه 16 سوره فصلت است و با حرف تأکید «ل» به معنای «نأشروع شده؛ تأکید کلام حضرت زینب سلام الله علیها بر عذاب آخرت برای کوفه ان را نشان می-دهد. لذا کنش اظهاری در نظر گرفته می-شود.

«فَلَا يَسْتَخِفُّكُمْ اللَّهُ فَتَكُونَ مِنَ الْغَالِبِينَ» (پس به واسطه آنکه خدا تان مهلت داد سبکبار نشوید)

۱ ن جمله دربردارنده ۱ ن مفهوم است که «آسوده خاطر نباشد؛ منتظر عقوبت باشد.» به عبارت دیگر، دست از ان کار بردارید.» در واقع کنش ترغیبی از نوع منفی (هشدار) محسوب می-شود.

«فَأَنْهَىٰ لِي حَفْرَةَ الْمَبْدِئِ وَلَا يَخَافُ فَوْتَ الْمَثَارِ» (ز را عجله در انتقام، خدای را به شتاب و انمی دارد و نمی-ترسد

که خونخواهی کردن از دست او برود).

1. ن دو جمله که در توصیف و ژنگی‌های خداوند است، کنش اظهاری در نظر گرفته می‌شود.

«وَإِنَّ رَبَّكُم لَبِالْمُرْصَادِ» (خدایتان در کمین شما است).

پاره گفتار فوق که برگرفته از آیه 14 سوره فجر و به صورت هشداري به آن شده، به انگر کنش ترغیبی از نوع منفی (هشدار) است.

3. نتیجه‌گیری

با توجه به توضیحات داده شده، چنان‌که در جدول 1-4 و همچنین نمودار 1-4 مشاهده می‌گردد، کنش‌های به کار رفته در خطبه حضرت زینب سلام الله علیها به ترتیب بسامد، عبارتند از: عاطفی، اظهاری و ترغیب؛ حال آن که کنش‌های اعلامی و تعهدی در کلام ایشان نمودی نداشته است.

جدول 1-4. بسامدکنش‌های گفتاری در خطبه

انواع کنش‌ها

بسامد

درصد

كنش عاطفي

11

٪22

كنش اظهاري

32

٪64

كنش ترغيب

عليه السلام

14%

كنش اعلامي

-

0%

كنش تعهدي

-

0%

نمودار 1-4- در صد فراوانی کنش های گفتار موجود در خطبه

بر اساس آن چه در نمودار 1-4 ملاحظه می شود؛ در ا راد ا ن خطبه، کنش اظهاری در حد قابل توجهی بیشتر به کار گرفته شده است. همان طور که در توضیح بافت موقعیتی خطبه گفته شد، یکی از ویژگی های بارز مردم کوفه، غفلت و جهل آنان بوده است. به نظر می رسد همین امر حضرت زینب سلام الله علیها را بر آن داشته تا برای آگاهی بخشیدن به آنها و بیدار نمودنشان از خواب غفلت، از ا ن کنش بیشتر استفاده نماید. در واقع، هدف اصلی حضرت از ا راد ا ن خطبه، روشنگری و آگاهانه دن مردم نسبت به خطای بزرگی بود که از سر جهل و نادانی مرتکب آن شده بودند. از سویی دیگر یکی از اهداف اصلی آن حضرت از ایراد خطبه در آن شرایط، افشاکگری علیه خاندان اموی و ظلم و بیاد آنان بود که از رهگذر به کارگیری کنش های اظهاری محقق گردید.

این درحالی است که کنش عاطفی پس از کنش اظهاری بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است. به نظر می رسد این امر در وهله نخست، نشان دهنده درک عمیق آن حضرت نسبت به مردم کوفه و یا به عبارتی قدرت مخاطب شناسی وی بوده است. پیش تر بیان شد که مردم کوفه افرادی احساساتی و تابع عواطف خود بوده اند که به شدت تحت تأثیر تبلیغات قرار گرفته و به راحتی تغییر جهت می داده اند. به هم ن دله ل حضرت زینب سلام الله علیها دریافته بود که با استفاده از این نوع کنش ها می تواند تأثیر بیشتری را بر آنها گذاشته و وجدان خفته شان را بیدار سازد. علاوه بر این، بسامد بالایی این نوع کنش در خطبه مورد نظر می تواند بیانگر نگرش عاطفی و احساسی گوینده آن - به عنوان یک زن - به واقعه دردناک عاشورا نیز باشد.

کنش ترغ بی، پس از کنش عاطفی بیشترین بسامد را در ایراد خطبه داشته است. به نظر می رسد حضرت سلام الله علیها برای جلب توجه مردم و ترغ ب آنان به گوش فرا دادن به سخنان و همچن ن به منظور همراه کردن آنان با عقا د

خوش، بارها از چنان کنشی در ا راد خطبه استفاده نموده است. در واقع، طبیعی است که هر گوینده ای برای این که مخاطبش را به تداوم گوش دادن تشویق نماید؛ چنان کنشی را در کلام خود به کار برد. علاوه بر این، ضرورت چنین کاربردی - با توجه به نوع مخاطب که غفلت زده و نادان است - به خوبی قابل درک است.

چنانکه در نمودار 1-4 مشاهده می شود؛ کنش های اعلامی و تعهدی در کلام حضرت زینب سلام الله علیها استفاده نشده است. با توجه به مباحثی که در بخش مقدماتی مطرح گردید، در کنش های اعلامی گوینده باید از شرایط و صلاحیت لازم برای به کارگیری کنش اعلامی برخوردار باشد، حال آن که خطبه زمانی ایراد شده که خاندان نبوت: از شأن و جایگاه شایسته شان در میان مردم برخوردار نبوده و حاکمان اموی نیز حقوق آنان را به ستم غصب نموده و قدرت را در انحصار خویش در آورده بودند. بنابراین حضرت زینب سلام الله علیها نمی توانسته است از موضع قدرت سیاسی به ایراد سخن بپردازد؛ به ویژه آن که در هنگام ایراد خطبه در بند اسارت نیز بوده است. از سوی دیگر، در کنش های تعهدی، کاربر زبان، خود را متعهد به انجام عملی می داند؛ حال آن که حضرت زینب سلام الله علیها از ایراد خطبه چنین هدفی را دنبال نمی کرده است.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه. (بی تا). ترجمه محمد دشتی، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین علیه السلام

آقا گل زاده، فردوس. (1390). تحلیل گفتمان انتقادی: تکن تحلیل گفتمان در زبان شناسی. چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی

باغ نی پور، مجید. (1380). «نگاهی گذرا به جنبه های از سخن کاوی». مجله زبان شناسی. شماره دوم. سال شانزدهم. صص 15-28.

پهلوان نژاد، محمد رضا؛ اصطهباناتی، لیلا. (138) علیه السلام). «بررسی کنش های گفتار در سخنرانی های رؤسای جمهور ایران و امریکا شهریور 1385». سازمان ملل. پژوهش های زبان های خارجی. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز. سال 51. پاییز و زمستان. شماره مسلسل 208. صص 1-24.

پهلوان نژاد، محمد رضا؛ رجب زاده، مهدی. (1389). «تحلیل متن شناسی زیارتنامه حضرت امام رضا علیه السلام بر

پايه نظريه كنش - گفتار. «مطالعات اسلامي: فلسفه و كلام. سال چهل و دوم. شماره پيايي 2/85. پاييز و زمستان. ص 3
عليه السلام - 54.

چپمن، شيوان. (1384). از فلسفه به زبان - شناسي. ترجمه حسين صافي. تهران: گام نو.

زيدي، محمدحسين. (19 عليه السلام 0). الحياه الاجتماعيه و الماقتصاديه في الكوفه في القرن الماويل الهجري، بغداد: جامعه
بغداد.

شر ف المقرشي، باقر (139 عليه السلام ق). ح اة الامام المحسن بن علي عليه السلام. چاپ دوم، قم: دارالمكتب.

صفرى فروشاني، نعمت الله. (13 عليه السلام 5). «مردم شناسي كوفه»، مجله مشكوه، شماره 53، صص 41-13.

صفوي، كوروش. (1383). درآمدى بر معنى - شناسي. چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامي.

طبري، محمدبن جر (بي تا). تاريخ طبري، بيروت: مؤسسة الماعلمي للمطبوعات.

فضائلي، مريم؛ نگارش، محمد. (1390). «تحليل خطبة پنجاه و يكم نهج - البلاغه بر اساس طبقه - بندي سرل از كنش هاي
گفتاري». «مطالعات اسلامي: علوم قرآن و حديث. سال چهل و سوم. شماره پيايي
86/3. بهار و تابستان. 81-118.

مجلسي، محمدباقر (1394 ق). بحار المانوار. ج 45، چاپ دوم، تهران: المكتبة الإسلامية.

مطهرى، مرتضى. (1366). حماسه حسيني. ج 3، تهران: انتشارات صدرا.

مك دانل، دا ان. (1380) مقدمه - اي بر نظريه گفتمان. مترجم: حس نعلی نوذري. تهران: فرهنگ گفتمان.

ون-دایک، تئون. ای. (1382). مطالعاتی در تحلیل گفتمان؛ از دستور متن تا گفتمان-کاوی انتقادی. ترجمه پیروز ایزدی و دیگران. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه-ها.

×. استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران (نویسنده مسؤول) tahereh.ishany@gmail.com

××. استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران.

. Z. Harris [3]

. M. Foko [4]

[5] J. drida .

[6] M. Pashow .

[7] .پاره گفتار) (Utterance نمود عینی گفتاری یا نوشتاری یک جمله است.

[8] .این خطبه علاوه بر کتاب بحارالأنوار ج 45 ص 109- که منبع مورد اتکالی این پژوهش است - با اندکی تفاوت در کتاب «الماحتجاج» طبرسی نیز نقل شده است.